

## انتخاب خاتمی و عروج مجدد "اپوزیسیون طرفدار رژیم"

۱- یکی از نتایج فوری و مهم انتخاب خاتمی شروع چرخشهای مهمی در درون اپوزیسیون رژیم اسلامی و مشخصا شکل گیری مجدد یک جبهه فعال از نیروهای اپوزیسیون طرفدار رژیم است.

۲- وجود اپوزیسیون طرفدار رژیم پدیده جدیدی در حیات ۱۸ ساله حکومت اسلامی نیست. علاوه بر جناحهایی از خود رژیم، نظیر نهضت آزادی، جبهه ملی، مجاهدین انقلاب اسلامی، و جریانات و محافل اسلامی که در نتیجه کشمکشهای درونی رژیم از حکومت بیرون رانده شدند و در موقعیت اپوزیسیون مجاز و منتقدین درباری رژیم قرار گرفتند، جریانهای مختلف خارج حکومت، نظیر مجاهدین خلق، حزب توده و فدائیان اکثریت و محافل مختلف متشکل از جمهوری خواهان ملی و و ناسیونال-اسلامی در دوره های مختلف رسماً بعنوان حامیان و مدافعان رژیم ظاهر شده اند و چه در تبلیغ مشروعیت سیاسی آن و چه در تقویت عملی آن نقش فعال بازی کرده اند.

۳- یک فصل مشترک همه شاخه های اپوزیسیون طرفدار رژیم تز تقسیم رژیم اسلامی به جناحهای "مترقی و ارتجاعی"، "مردمی و ضد مردمی" و غیره است. خصلت ترکیبی و شبه ائتلافی رژیم اسلامی و کشمکش مدام جناحهای آن امکان داده است تا اینگونه احزاب بتوانند ضمن دفاع از اساس حاکمیت ارتجاعی رژیم اسلامی و ضمن اعلام وفاداری به بالاترین مقامات و نهادهای رهبری آن، در عین حال به اعتبار موضع انتقادی نسبت به جناحهایی در حکومت، چهره احزاب اپوزیسیون و بعضاً شریک در مبارزه علیه رژیم اسلامی را بخود بگیرند.

۴- در حقیقت، این رژیم اسلامی بود که جریاناتی نظیر مجاهدین، حزب توده و فدائیان اکثریت و محافل مختلف ملی گرا را یک به یک طرد کرد و به اپوزیسیون راند. هیچیک از این جریانات راساً و بنا بر اصول سیاسی و اعتقادی خود به صف مبارزه با رژیم نپیوستند. رابطه متقابل این جریانات و رژیم اسلامی انعکاسی از موازنه جناحهای درونی رژیم اسلامی است. نزدیکی احزاب اپوزیسیون طرفدار رژیم به حکومت اسلامی از سر توهم، کج فهمی سیاسی، اشتباهات تاکتیکی و غیره نبود و نیست. این احزاب نزدیکی سیاسی و فصل مشترک اجتماعی عمیقی با جناحهای مورد حمایت خویش در حکومت دارند. اینها ادامه همان جنبش ها در خارج حکومت اند. حزب توده و اکثریت از نظر برنامه و سیاست و اهداف اجتماعی خود خویشاوندی نزدیکی با جناح دولتگرا و ضد آمریکایی و پان اسلامیست رژیم دارند که دولت موسوی و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی مهره های اصلی آن بوده اند. طرد نهایی حزب توده و اکثریت با تضعیف و خلع ید از این جناح در رژیم اسلامی رابطه نزدیک داشت. سازمان مجاهدین خلق نیز به همان جنبش ناسیونال - اسلامی ای تعلق داشت که نماینده های دیگرش، نظیر نهضت آزادی و بنی صدر مستقیماً در حکومت نقش اصلی داشتند. سقوط نهضت آزادی و بنی صدر و سرکوب و

به اپوزیسیون رانده شدن مجاهدین وجوه دوگانه یک روند واحد بود. همپالکی های حکومتی جریانات ملی گرا و جمهوری خواه در اپوزیسیون طرفدار رژیم امروز را نیز میتوان به سادگی در جبهه ملی، نهضت آزادی، جمهوری خلق مسلمان و نظایر اینها، یعنی شرکای اصلی در برقراری و اداره حکومت ارتجاع اسلامی در سالهای ۶۰-۵۷ بازشناخت. بعبارت دیگر موقعیت اپوزیسیونی این احزاب رابطه مستقیمی با چند و چون حضور جنبش سیاسی آنها در حکومت داشته است. پرتاب شدن این جریانات به اپوزیسیون نتیجه مستقیم خلع ید یا تضعیف خویشاوندان سیاسی آنها در بافت حکومتی بوده است.

۵- با سرکوب حزب توده و اکثریت، اپوزیسیون طرفدار رژیم به یک دوره رکود چند ساله پا گذاشت. موج ابراز ندامت از سیاستهای پیشین، انشعاب و تجزیه و تلاش محافل مختلف این طیف برای اعاده حیثیت از خویش و نزدیکی با اپوزیسیون سرنگونی طلب در میان این جریانات بالا گرفت. هرچند دوره اول ریاست جمهوری رفسنجانی زمینه هایی برای تحرک جدید اپوزیسیون پرو-رژیم، بویژه در میان جریانات ملی گرا بوجود آورد، اما فضای سیاسی در اپوزیسیون اساسا تحت نفوذ احزاب و جریانات سرنگونی طلب باقی ماند.

۶- انتخاب خاتمی توازن قوا و ترکیب جناحهای حکومت و لاجرم کل این معادلات در اپوزیسیون را دگرگون کرده است. ائتلافی که خاتمی را سرکار آورده است و همراه خاتمی به دولت پای گذاشته است، حامیان سیاسی خود در اپوزیسیون را نیز به بازگشت به سنگر های سابق فراخوانده است. نه فقط حزب توده و اکثریت، بلکه همه محافل و جریانات منشعب از آنها که مدعی بودند در این سالها به کثافت سیاست دفاع خویش از رژیم خمینی پی برده و "بشردوست و دموکرات" شده اند یکسره به سنگر طرفداری از رژیم و رئیس دولت رجعت کرده اند. "درسهای" تاریخی و ابراز ندامت ها و اعتراف به خیانت ها یکشبه فراموش شده است. اپوزیسیون پرو-رژیم امروز تنها به محافل طیف توده ای - اکثریتی خلاصه نمیشود. ابعاد این پدیده به مراتب از هر زمان وسیع تر است. بخش وسیعی از نشریات حزبی و غیرحزبی طیف ملی و تازه-دموکرات عملا به تریبونهای حمایت از خاتمی و کشاندن مردم بدنبال رژیم اسلامی تبدیل شده است. یک واقعیت انزجار آور دیگر میدان یافتن مجدد جماعتی از صنف نویسندگان و شعرای توجیه گر و یا رسما مجیز گوی رژیم است. ماحصل همه اینها پیدایش دوره جدیدی در تحرک اپوزیسیون طرفدار رژیم، تحت پرچم دفاع از خاتمی و حتی موج تعرض این جریانات به کمونیستها، چپ ها و به نفس مبارزه علیه کلیت رژیم اسلامی است.

۷- روند اوضاع سیاسی درس جدید و به مراتب تلخ تری به اپوزیسیون طرفدار رژیم خواهد داد. برخلاف تبلیغات ریاکارانه این جریانات، انتخابات ریاست جمهوری شروع لیبرالیزه شدن مسالمت آمیز رژیم از درون خود حکومت و به رهبری خاتمی نیست. نه فقط خاتمی و ائتلاف مدافع او، بعنوان شرکای قدیمی حاکمیت خونین اسلامی در ایران، ابا چنین هدفی را دنبال نمیکنند، بلکه روند رشد حرکت اعتراضی مردم و تناقضات و تنشهای درونی رژیم اسلامی بسرعت معادلات سیاسی کنونی را دگرگون خواهد کرد. هم مردم و هم کل رژیم بسرعت پدیده خاتمی و تصورات و توهمات که امروز تحت این نام رواج داده میشود را پشت سر خواهند گذاشت. روند اوضاع سیاسی بسمت تلاطم های مهمی در درون رژیم و تقابل حاد تر و مستقیم تر مبارزات اعتراضی مردم و طبقه

کارگر با حکومت ارتجاعی سیر میکند. جریانات اپوزیسیون طرفدار رژیم جزو اولین تلفات سیاسی این روند خواهند بود.

۸- حزب کمونیست کارگری ایران برای سرنگونی انقلابی رژیم ارتجاعی و جنایتکار اسلامی توسط جنبش طبقه کارگر و توده وسیع مردم آزادیخواه ایران تلاش میکند. حزب کمونیست کارگری ایران به استقبال مبارزات رو به رشد کارگری و اعتراضات مردمی علیه کلیه ابعاد موجودیت رژیم اسلامی می‌رود و این مبارزات و اعتراضات را نیروی واقعی سرنگونی رژیم و تحقق آزادی در ایران میداند. حزب کمونیست کارگری ایران از هر درجه گشایش سیاسی که با فشار مردم و شکافهای رو به رشد در حکومت اسلامی پدید آید در خدمت سازماندهی و رشد مبارزه انقلابی و گسترده طبقه کارگر و توده مردم علیه کل موجودیت رژیم اسلامی و همه جناحهای آن فعالانه بهره خواهد گرفت.

۹- حزب کمونیست کارگری در این راه، و بعنوان جزء لاینفک مبارزه برای آزادی در ایران، همه جریانات و محافل مدافع رژیم در اپوزیسیون را قاطعانه افشاء و منزوی خواهد کرد. مردم ایران عواقب بیعت کرده‌ها و بند و بستهای کثیف سیاسی جریانات و شخصیت‌های اپوزیسیون ملی و سنتی با خمینی و جریان اسلامی را که به عقیم ماندن انقلاب مردم و روی کار آمدن حکومت خونین اسلامی منجر شد دیده اند، مردم ایران بهای سنگین عوامفریبی‌ها و صحنه سازی‌های مجاهدین و جریانات ناسیونال اسلامی در دفاع از بنی صدر اولین رئیس جمهور ارتجاع اسلامی را با جان باختن دهها هزار تن از شریف ترین مبارزان راه آزادی پرداخته اند، مردم افتضاح سیاستهای ضد مردمی و ارتجاعی حزب توده و اکثریت "پیرو خط امام" را به روشنی دیده اند. مردم مضحکه "اسلام میانه رو پرزیدنت رفسنجانی" را فراموش نکرده اند. نه حزب کمونیست کارگری، نه طبقه کارگر و نه توده وسیع مردم منزجر از اسلام و رژیم اسلامی، اجازه نخواهند داد که همان دلکهای سیاسی، همان مضحکه و همان فاجعه را یکبار دیگر تکرار کنند. برای ما و همه مردم، برای ما و همه کارگران، برای ما و همه زنان، انتخابات رژیم اسلامی نقطه شروع روندی است که می‌رود و باید به برچیدن تمام و کمال رژیم اسلامی منجر شود. پرونده سیاسی اپوزیسیون طرفدار رژیم نیز در اولین مراحل همین روند بسته خواهد شد.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ مهر ۷۶ (اول اکتبر ۹۷)